

مذاکره اقتصادی با آمریکا

عقب‌نشینی یا قطعه‌ای از پازل توسعه ایران در جهان پر آشوب؟



محمد حقگو
economice@khorasannews.com

گاهی یک جمله، بیش از آن که حامل یک پیشنهاد مشخص باشد، پرده از یک جابه‌جایی عمیق در منطق سیاست‌گذاری برمی‌دارد. اشاره اخیر به امکان طرح منافع اقتصادی مشترک میان ایران و آمریکا. آن هم در حوزه‌ای به‌شدت حساس مانند نفت و گاز؛ از همین جنس بود؛ جمله‌ای که نه به‌خاطر جزئیاتش، بلکه به‌دلیل زمان طرح، طرف مقابل و پیش‌فرض‌های نهفته در آن به‌سرعت خبرساز شد. برای منتقدان، این عبارت نشانه‌ای از عقب‌نشینی تلقی شد و برای موافقان، تلاشی حساب‌شده برای بازتعریف بازی توسعه در جهانی پرتنش. اما این جمله دقیقاً چه مفروضاتی را به چالش می‌کشد و چرا حالا مطرح شده است؟

جملاتی که به شدت جنجالی شد

به گزارش خراسان، قنبری معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه که در تیم مذاکرات ایران با آمریکا نیز حضور دارد، در روزهای اخیر گفت: منافع مشترک در حوزه‌های نفت و گاز، میدین مشترک، سرمایه‌گذاری‌های معدنی و حتی خرید هواپیما در متن مذاکرات گنجانده شده است. این سخنان که چند جمله بالا، بخش مهم آن را شکل می‌دهد، کافی بود تا فضای رسانه‌ای ایران پیرامون این مسئله داغ شود.

■ از یک سو، کسانی که آن را عقب‌نشینی، سازش یا تکرار مسیرهای شکست‌خورده گذشته دانستند.

■ از سوی دیگر، کسانی که گفتند «اقتصاد راه خود را می‌رود» و سیاست دیرپا را زودمجبور به تطبیق با آن است.

اما شاید بتوان گفت مسئله، نه در خود مذاکره، بلکه در معنایی باشد که پشت آن پنهان شده نهفته است.

معنایی که اگر در دست فهم نشود، یا به ساده‌سازی خطرناک یا به هیجان بی‌پشتوانه خواهد رسید. در واقع سوال اصلی این نیست که «آیا ایران با آمریکا حرف می‌زند یا نه؟»، بلکه این است که ایران

در جهان امروز، چگونه می‌خواهد توسعه خودش را ممکن کند؟ آن هم در جهانی که شرایط آن به‌طرز محسوسی با حتی چند سال قبل تفاوت دارد؛ جهانی که در آن بازی قدیمی مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک دیگر پاسخ‌گو نیست و خبری از نظم قابل‌پیش‌بینی دهه‌های گذشته نیست. بازارهای آزاد تضمین شده، مصرف‌کنندگان همیشه آماده و زنجیره‌های تأمین امن، یکی‌یکی فرورخته‌اند. در چنین جهانی، آمریکا بازارش را به ابزار فشار بدل کرده و از تعرفه‌های وارداتی حکم‌کننده بهره‌برداری سیاسی-اقتصادی را می‌کند؛ اروپا مرزهای جدید (کرینی، استاندارد و سیاسی) می‌کشد و چین بیش از هر زمان، به ثبات و کاهش ریسک می‌اندیشد.

این تحولات یک پیام روشن دارند: توسعه دیگر فقط به «تولید» گره نخورده، بلکه به بازار قابل اتکا وابسته است؛ همان گزاره قدیمی که امروز معنای تازه‌ای یافته: عرضه، متوقف بر تقاضاست.

توسعه بدون بازار بزرگ، یک توهم است

این مدعا را می‌توان در تجربه‌های جهانی اخیر در حوزه فقرز دایی مشاهده کرد؛ همان پدیده‌ای

تیغ دیوان عالی علیه تعرفه‌های ترامپ

رأی تاریخی قضات دیوان عالی آمریکا چه تغییری در جنگ تجاری با چین و ابزار فشار آمریکا علیه ایران ایجاد می‌کند؟

گروه اقتصاد- رأیی که ظهر جمعه از ساختمان مرمری دیوان عالی آمریکا بیرون آمد، فقط یک حکم حقوقی نبود؛ زلزله‌ای سیاسی-اقتصادی بود که ستون‌های یکی از تهاجمی‌ترین ابزارهای دونالد ترامپ را لرزاند. شش قاضی در برابر سه قاضی، به صراحت گفتند: رئیس‌جمهور آمریکا حق ندارد با نام «وضعیت اضطراری»، از جیب مردم (افزایش قیمت کالاهای وارداتی) و واردکنندگان در قالب تعرفه‌های تجاری مالیات بگیرد. حالا سوال بزرگ این است: این رأی فقط جنگ تعرفه‌ای ترامپ با چین را متوقف کرد یا ابزار فشار اقتصادی آمریکا علیه کشورهایی مثل ایران را هم تضعیف می‌کند؟

رأی تاریخی: دیوان عالی چه گفت و چرا مهم است؟

دیوان عالی ایالات متحده در ۲۰ فوریه ۲۰۲۶ با رأی ۶ به ۳ اعلام کرد که استفاده دولت ترامپ از قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی (IEEPA) برای وضع تعرفه‌های وارداتی، خلاف قانون اساسی و فراتر از اختیارات ریاست‌جمهوری است.

این رأی در واقع تأیید حکم دادگاه استیناف حوزه فدرال بود که پیشتر تعرفه‌ها را غیرقانونی دانسته بود.

جان رابرتز، رئیس دیوان عالی، در نظر اکثریت نوشت: «IEEPA هیچ اشاره‌ای به تعرفه یا عوارض ندارد. دولت حتی به یک قانون هم اشاره نکرده که کنگره در آن از واژه «تنظیم» برای مجوز دادن به مالیات‌ستانی استفاده کرده باشد.»

به بیان ساده، دیوان عالی گفت: تحریم، بله؛ مسدودسازی دارایی، بله؛ اما تعرفه، نه. در سوی دیگر، قضات مخالف (کاوانا، توماس و آلیتو) استدلال کردند که تعرفه‌ها همواره ابزار سنتی تنظیم تجارت بوده‌اند و می‌توان آن‌ها را ذیل اختیارات اضطراری تفسیر کرد؛ استدلالی که رأی نیابرد.

این رأی دیوان عالی آمریکا، ترامپ پیشاپیش هشدار داده بود اگر دادگاه‌ها تعرفه‌ها را لغو کنند، آمریکا باید صد میلیون دلار به‌وار دهندگان پس بدهد و این «فاجعه اقتصادی» خواهد بود.

قبل از رأی دیوان عالی آمریکا، ترامپ پیشاپیش هشدار داده بود اگر دادگاه‌ها تعرفه‌ها را لغو کنند، آمریکا باید صد میلیون دلار به‌وار دهندگان پس بدهد و این «فاجعه اقتصادی» خواهد بود.

چین؛ بازنده اصلی یا نجات‌یافته موقت؟
چین بزرگ‌ترین هدف تعرفه‌های ترامپ بود. از لوازم الکترونیکی و ماشین‌آلات گرفته تا قطعات صنعتی، شرکت‌های آمریکایی و مصرف‌کنندگان مستقیماً هزینه‌این جنگ تعرفه‌ای را پرداخت می‌کردند.

بر اساس گزارش رویترز (۸ ژانویه ۲۰۲۶): شرکت‌هایی مثل Apple، Walmart، Costco و Amazon، ده‌ها برنند دیگر در صف شکایت برای بازپس‌گیری عوارض قرار گرفتند. احتمال بازپرداخت تعرفه‌ها تا ۱۵۰ میلیارد دلار برآورد شد.

لغو این تعرفه‌ها، دست‌کم در کوتاه‌مدت فشار قیمتی بر مصرف‌کننده آمریکایی را کاهش می‌دهد، اما هم‌زمان خلأ استراتژیک برای سیاست‌صنعتی ترامپ ایجاد می‌کند. هزینه‌برخی تصمیمات دیگر وی را نیز بالا خواهد برد.

تعرفه‌های ثانویه؛ آیا ایران هم در دایره اثر رأی قرار می‌گیرد؟

یکی از حساس‌ترین پرسش‌ها، سرنوشت تعرفه‌های تنبیهی علیه کشورهایی است که با ایران تجارت می‌کنند.

بی‌بی‌سی پیشتر گزارش داده بود که ترامپ از تعرفه ۲۵ درصدی علیه شرکای تجاری ایران سخن گفته بود. اما نکته کلیدی این جاست:

رأی دیوان عالی، صرفاً اختیارات تعرفه‌ای تحت IEEPA را باطل کرده است. این یعنی: اگر تعرفه‌های ثانویه علیه شرکای ایران بر همین مبنا وضع شده باشند، مشروعیت حقوقی آن‌ها تهدیدشد.

نام زیبای پدر با سیم و زر باید نوشت

خوب و عالی با عیار معتبر باید نوشت

برکت نان و نمک از همت والای اوست

این چنین گویم که نامش تاج سر باید نوشت

دوم اسفند ماه دومین سالگرد عروج ملکوتی پدر عزیزمان زنده یاد

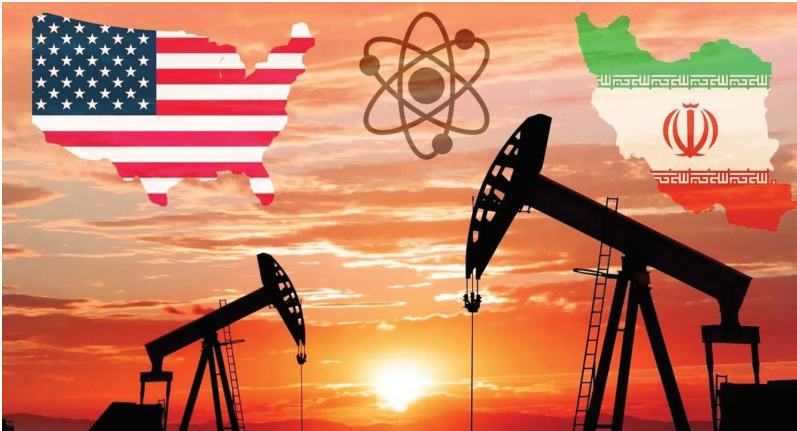
امیر طوسی

با نثار صلوات یاد و خاطره اش را گرامی می‌داریم.

همسر و فرزندان: مهدی، بهروز، شهره



۱۳۴۵هـ



حساب جاری، ارز و سیاست خارجی

در صورت طراحی و اجرای درست یک توافق محدود در حوزه‌هایی چون نفت یا خرید هواپیما، پیامدها صرفاً سیاسی نخواهد بود. تجارت متوازن‌تر، کاهش ناترازی حساب جاری و اتصال برنامۀ توسعه به شرکای منطقه‌ای، می‌تواند فشار مزمن بر بازار ارز را کاهش دهد. در این چارچوب، مسئله ارز نه کمبود مطلق، بلکه مدیریت جریان و زمان‌بندی خواهد بود؛ نقطه‌ای که سیاست خارجی مستقیماً در زمین اقتصاد کلان می‌شود.

عقب‌نشینی یا بازتعریف بازی؟

با این اوصاف، پرسش اصلی شاید این نباشد که «آیا ایران عقب‌نشینی می‌کند یا نه؟» در جهانی که نظم قدیم فروپاشیده و قدرت‌های بزرگ از ناامن‌سازی، تحریم و شوک برای حذف رقیب استفاده می‌کنند، اگر ایران بخواهد فقرزدایی کند، یک راهبردهم، بازتعریف رابطه امنیت و توسعه است. از این زاویه، گفت‌وگوی اقتصادی با آمریکا نه نشانه سازش است و نه چرخش ایدئولوژیک، بلکه تلاشی است برای یافتن مسیری توسعه‌محور در دل کشاکش قدرت‌های بزرگ. با این حال، این مسیر نه ساده است؛ نه تضمین شده و نه صرفاً در اختیار تهران. توان دیپلماسی برای ایجاد توازن جدید، محدودیت‌های ساختاری اقتصاد داخلی و تصمیم‌نهادهای اثرگذار در آمریکا، همگی متغیرهایی هستند که می‌توانند این مسیر را تسهیل یا مسدود کنند.

نکته کلیدی این جاست: معامله احتمالی با آمریکا نه بر سر رفتی است که امروز فروخته می‌شود، بلکه بر سر ظرفیت مازاد بالقوه است؛ ظرفیتی که می‌تواند در لحظه بحران، بازار را آرام کند.

چین کجای این بازی است؟

یکی از حساس‌ترین پرسش‌ها این است که اگر ایران با آمریکا وارد گفت‌وگوی اقتصادی شود، چین چه می‌کند؟ پاسخ ساده نیست، اما یک گزاره واقع‌بینانه وجود دارد: چین شریک احساسی یا ایدئولوژیک نیست؛ بازیگری است که ثبات، تداوم و کاهش ریسک را ترجیح می‌دهد.

در نتیجه اگر صادرات فعلی ایران به چین حفظ شود، ریسک انرژی منطقه کاهش یابد و شوک‌های ناگهانی کمتر شود، چین نه تنها متضرر نمی‌شود، بلکه از امنیت انرژی بیشتر منتفع خواهد شد.

آمریکا چه می‌خواهد؟ آشتی یا ثبات؟

در سوی دیگر، بدیهی است آمریکا به دنبال آشتی نیست. یک مسئله اصلی واشنگتن، مدیریت بی‌ثباتی است. در جهانی که تمرکز آمریکا به مهار چین معطوف شده، هر شوک انرژی یا درگیری جدید، هزینه‌ای مضاعف تحمل می‌کند. چنان‌که وبگاه آمریکایی اکسیوس با اشاره به افزایش قیمت نفت، سناریوهایی از جهش قیمت‌ها تا سطوح بسیار بالا (نزدیک به ۱۳۰ دلار در هر بشکه) را مطرح کرده است. از این منظر، گفت‌وگوی اقتصادی حداقلی با ایران، ابزاری برای کنترل ریسک است؛ نه تغییر بنیادین روابط.

عملاً به بازارهای ناپایدار بدل شدند. پیامد این وضعیت، صادرات ناپایدار ایران و از دست رفتن فرصتی بود که می‌توانست با اتکا به ظرفیت‌های منطقه‌ای، به توسعه اقتصادی منجر شود.

نقطه چرخش؛ وقتی «شرایط بحرانی»

خودش برنامه توسعه می‌شود!

در دل همین بن‌بست، برخی اقتصاددانان کوشیده‌اند منطق یک ایده متفاوت را توضیح دهند: این که در شرایط «نه جنگ، نه صلح»، چگونه خود محدودیت‌ها می‌توانند به راهبردتوسعه تبدیل شوند.

برای مثال، اگر ریسک صادرات نفت ایران از مسیر دریایی خلیج فارس و دریای عمان افزایش یابد، همین ریسک می‌تواند کشور را به تقویت مسیرهای شمالی سوق دهد. افزایش سهم واردات کالای اساسی از شمال، نیازمند توسعه لجستیک است و توسعه لجستیک، زنجیره‌ای از سرمایه‌گذاری، اشتغال و صنعت را فعال می‌کند. به این معنا، پاسخ به یک بحران فوری، از جمله تشدید تنش‌ها در جنوب کشور، می‌تواند به لوکوموتیویک برنامه توسعه بدل شود.

نفت؛ نه برای فروش بیشتر،

برای تنظیم بازار

در این چارچوب، نفت ایران دیگر فقط «منبع درآمد» نیست، بلکه می‌تواند ابزار تنظیم‌گری میان متغیرهای مختلف اقتصادی و منطقه‌ای باشد. این تغییر نوعی دگرگونی ژنتیکی در اقتصاد نفتی کشور محسوب می‌شود.

ایران از معدود کشورهایی است که هزینه تولید پایینی برای نفت دارد، زیرساخت‌هایش تخریب نشده و توان افزایش نسبتاً سریع تولید را حفظ کرده است. این ظرفیت، در جهانی پر از شوک‌های انرژی، ارزش ژئوپلیتیک بالایی دارد.



سیاسی چنین تصمیمی است. اگر هرگونه حمله احتمالی به ایران از چارچوب یک اقدام محدود و کنترل‌شده خارج شود و به پیامدهایی مانند جهش پایدار قیمت نفت، بی‌ثباتی بازارهای مالی یا ورود آمریکا به یک درگیری فرسایشی منطقه‌ای بینجامد، این تصمیم می‌تواند نتیجه‌ای معکوس داشته باشد. در چنین سناریویی که هزینه اقدامات ترامپ بالاتر رفته، نه تنها رأی دهندگان مردد، بلکه بخش‌هایی از پایگاه رأی فعلی ترامپ-به‌ویژه رأی دهندگان حساس به قیمت انرژی، تورم و ثبات اقتصادی-ممکن است از او فاصله بگیرند. از همین منظر است که برخی ناظران، اقدام نظامی را برای ترامپ نه یک برگ برنده تضمین شده، بلکه یک قمار پر هزینه سیاسی-انتخاباتی توصیف می‌کنند؛ قماری که در صورت از کنترل خارج شدن پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی، می‌تواند همان سرمایه سیاسی موجود را نیز تضعیف کند.

بازارها با این سوال مواجه‌اند: دولت بعدی آمریکا چگونه می‌خواهد بدون تعرفه‌های اضطراری، جنگ تجاری را مدیریت کند؟

فراتر از اقتصاد؛ آیا دست آمریکا برای فشار

و جنگ کوتاه‌تر می‌شود؟

رأی دیوان عالی آمریکا علیه استفاده دولت ترامپ از اختیارات اضطراری برای اعمال تعرفه، تنها یک شکست حقوقی یا اقتصادی تلقی نمی‌شود، بلکه پیامدهای سیاسی گسترده‌تری نیز دارد. این رأی، یکی از ابزارهای کم‌هزینه فشار اقتصادی را از دست

رئیس‌جمهور آمریکا خارج کرده و حاشیه‌مانور او را-دست‌کم در عرصه سیاست داخلی-محدودتر کرده است. با این حال، کارشناسان تأکید می‌کنند که تضعیف موقعیت داخلی الزاماً به معنای کاهش خودکار احتمال اقدام نظامی نیست. به گفته این تحلیل‌گران، آنچه امروز تغییر کرده، سطح ریسک

زنده یاد دکتر محمد صداقتی نیا

همسر و پدری بزرگ منش، انسانی شریف

خدمتگزار و عاشق زندگی به آرامش ابدی پیوست

مراسم ترحیم در روز دوشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ ساعت ۲۰ تا ۲۲

در محل تالار رز واقع در خیابان خیام جنوبی ۲۳، فرهاد ۲۲

برگزار می‌گردد.



خانواده های صداقتی نیا، عظیمیان، بیات مختاری، نقیب سادات و سایر فامیل وابسته

۱۳۴۹۳۱